وصیّت نامه امیر مومنان حضرت علی(ع)

ومن وصیه له علیه السلام

للحسن والحسین علیهما السلام لماضربه ابن ملجم لعنه اللّه

اوصیکم بتقوی اللّه،وان لا تبغیا الدنیا وان بغتکما،ولا تاسفا علی شی منها زوی عنکما، وقولا بالحق،و اعملا للاجر،وکونا للظالم خصما،وللمظلوم عونا اوصیکما وجمیع ولدی واهلی ومن بلغه کتابی بتقوی اللّه،ونظم امرکم،وصلاح ذات بینکم،فانی سمعت جدکما صلی اللّه علیه واله یقول صلاح ذات البین افضل من عامه الصلاه والصیام، اللّه اللّه فی الایتام فلا تغبوا افواههم،ولا یضیعوا بحضرتکم،واللّه اللّه فی جیرانکم فانهم وصیه نبیکم،مازال یوصی بهم حتی ظننا انه سیورثهم،واللّه اللّه فی القران لایسبقکم بالعمل به غیرکم،واللّه اللّه فی الصلاه فانها عمود دینکم،واللّه اللّه فی بیت ربکم، لا تخلوه ما بقیتم،فانه ان ترک لم تناظروا واللّه اللّه فی الجهاد باموالکم وانفسکم والسنتکم فی سبیل اللّه،و علیکم با لتواصل وا لتباذل،وایاکم والتدابر و التقاطع، لا تترکوا امر بالمعروف والنهی عن المنکر فیولی علیکم اشرارکم،ثم تدعون فلا یستجاب لکم ، ثم قال: یا بنی عبد المطلب لا الفینکم تخوضون دماء المسلمین خوضا تقولون: قتل امیرالمومنین، الا لا یقتلن بی الا قاتلی انظروا اذا انا مت من ضربته،هذه فانضربوه ضربه بضربه ولا یمثل بالرجل فانی سمعت رسول اللّه صلی اللّه علیه واله یقول: ایاکم والمثله ولو بالکلب العقور.

از وصیت های آن حضرت علیه السلام است به حسن وحسین علیهما السلام هنگامیکه ابن ملجم که خدا اورا از رحمتش دور گرداند به ان بزرگوار ضربت زده بود (ودر ان از خونخواهی نهی نموده وبکار های نیکو امر فرموده است): شما را **بتقوی وترس از خدا** سفارش میکنم واینکه **دنیا را نخواهید** هرچند شما را بجوید (**بکالای دنیا دل نبندید** هر چند در دسترستان باشد) **واندوهناک نشوید برچیزی از دنیا که از شما گرفته شده باشد وراست ودرست** سخن گویید وبرای پاداش یافتن(دراخرت) کار کنید **وستمگر را دشمن وستمدید را یار ومددکار** باشید. شما وهمه فرزندان و اهل بیتم وهر که را که نامه ام به او میرسد سفارش میکنم بتقوی وترس از خدا و **مرتب کردن وبهم پیوستن کارتان و اصلاح ذات االبین** (چگونگی که باعث پراکندگی است) از کلیه وروزه بهتر است (زیرا با جدائی بین مردم امر دین منظم نگردد ودشمن چیره شود وابادنی رو به ویرانی ارد) **از خدا بترسید** از خدا بترسید درباره یتیمان پس برای دهانشان نوبت قرار ندهید (**گاه سیر وگاه گرسنه شان مگذارید**) ودر نزد شما (بر اثر گرسنگی و برهنگی وبی سرپرستگی) فاسد وتباه نشوند واز خدا بترسید از خدا بترسید درباره همسایگانتان که آنان سفارش شده پیغمبرتان هستند همواره درباره ایشان سفارش می فرمود تا گمان کردیم برای آنها (از همسایه) میراث قرار دهد (در مالشان سهمی تعیین فرماید)وبترسید از خدا بترسید از خدا **از خدا درباره قرآن که دیگران با عمل به آن بر شما پیشی نگیرند** ، وازخدا بترسید درباره نماز که ستون دین شمااست ، واز خدا بترسید**پس از آن فرمود:**ازخدا بترسیددرباره خانه پروردگارتان (مکه معظمه) **آن را خالی مگذارید** تا زنده هستید که اگر آن رها شود (از نرفتن شما خالی ماند، از کیفر الهی)مهلت داده نمی شوید (**به عذاب خدا مبتلا می شوید**)وازخدا بترسید از خدا بترسید درباره جهاد به دارائیها وجانهاوزبانهاتان در راه خدا (برای ترویج دین وجنگ با دشمنان خدا ورسول از هیچ چیز خودداری ننمایید)و بر شما باد که با وابستگی و دوستی داشته به هم ببخشائید، واز پشت کردن به یکدیگر و جدائی از هم بترسید، **امربه معروف**(ادا نمودن به کار شایسته) **ونهی از منکر**(بازداشتن از کار زشت) را رها مکنید که (اگر رها کردید) بدکدارانتان برشما مسلّط می شوند پس از آن دعا می کنید (دفع آنها را از خدا می خواهید) روا نشود (زیرا براثر نکردن امر به معروف ونهی از منکر خدا را آزرده و این بلا وسختی را فراهم کرده اید، پس تا توبه وبازگشت ننمائید درخواستتان پذیرفته نگردد) ای پسران عبد المطّلب نمی خواهم شمارا بیابم که در خونهای مسلمانان فرو روید بهانهٔ اینکه گوئید: امیر المومنین کشته شد، امیر مومنین کشته شد (کشتن مرا سبب جنگ وخونریزی قرار ندهید) وبدانید که باید به عوض کشته نشود مگر کشنده ام .بنگرید هر گاه براثر این‌ضربت‌ازمن مُردم‌به عوض‌آن ضربتی به او بزنید، و باید مُثله نشود (پیش یا پس از کشته شدن چشم وگوش وبینی ولب ودست وپا وسایر اعضایش را نبرید، ویا کارهای زشت دیگر به او روا ندارید) که من از رسول خدا ، صلّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه ، شنیدم می فرمود: از مثله نمودن دوری کرده بترسید هر چند به سگ آزار رسانده باشد (زیرا اینگونه کیفر هارا مردم خداپرست نمی پسندند هر چند از کشنده اندوه فراوان داشته باشند، وآن روش نادانان و بدسیرتان است که از بسیاری کینه دل خود را به آن خنک کرده بد سیرتیشان را آشکار میسازند)

Designed by Mohsen
www.a-nic.blog.ir

ناقلين وصيتنامه معروف حضرت علي عليه السلام پيش از شريف رضي(ره)

ابوفخنف لوط بن يحيي افزون بر آنچه شريف رضی در نهج البلاغه آورده است.
ابوحاتم سجستانی در کتاب((المعمرون و الوصايا)) ص/١٤٩
ابو جعفر طبری در تاريخ طبری ج/٦،ص/٨٥ حوادث سنه/٤٠
ابو القاسم عبد الرحمن بن اسحاق الزجاجی در((الامالی))ص/١١٢
ابو جعفر کلينی در کافی ج/٧ ص/٥١
مسعودی در مروج الذهب ج/٢ ص/٤٢٥
ابن شعبه حرانی در ((تحف العقول)) ص/١٩٧
ابو الفرج اصفهانی در ((مقاتل الطالبين)) ص/٣٨
شيخ صدوق(ره) در (من لا يحضره الفقيه) ج/٤ ص/١٤١
امّا خود شريف رضی:نهج البلاغه/فيض الاسلام ص/٩٧٧ نامه/٤٧

Designed by Mohsen
www.a-nic.blog.ir